

Explaining the administrative-financial structure and the laws governing it in the Ottoman Empire

Hojjat Asemani'

Received: 2021/10/25 | Accepted: 2022/12/25

(DOI): [10.22034/SKH.2021.10649.1196](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.10649.1196)

Abstract

Original Article
P 30 - 53

The Ottoman Empire in the 10th century AH / 16 AD. Using various administrative-financial divisions, became one of the largest and most stable Islamic governments. Various studies have been done on the administrative-financial structure of the Ottoman Empire; However, no research has been done to deal with the administrative-financial structure of the empire relying on the legislatures. Therefore, present study, using a descriptive-analytical method and relying on library sources, especially the "Soleiman Qanuni" Code, which well shows the administrative-financial divisions of the Ottoman Empire in the tenth century, expresses this structure. Findings show that devising restricted countries into administrative units such as the state, Sanjak, Kaza and dormitory (from the early 10th century AH), has led to decentralization and more regular administration of Sanjaks and through the devising Sanjaks into "Salianli" (lands with annual tax) and "Saliansiz" (lands with special taxes), tax collection has been done logically and with regard to climate differences. Also, in order to manage the lands and provide the required military force at the lowest cost, Sanjaks and lands were divided by contract and Timar method. In addition, with the registration of property, population, and the issuance of new laws for each Sanjak and section, relations between landowners and villeins came under the supervision of the Supreme government. Later, in the late tenth century, with the expansion of divisions such as Arpalig, Ashkinji, and Mafruz al-Qalam (a special type of land with special laws), were given much authority to the owners of these sections, reducing the power of central government in the states.

Keywords: Ottoman administrative divisions, Tashri, Salianli, Saliansiz, contract.

¹ -Department of Islamic History and Civilization, Ferdowsi University of Mashhad, Iran
sayadasemani67@gmail.com





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تبیین ساختار اداری- مالی و قوانین حاکم بر آن در امپراتوری عثمانی (در سده ۱۰ ه. ق. / ۱۶ م.)

حجت آسمانی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2021.10649.1196

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۵۳/۳۰

چکیده

امپراتوری عثمانی در سده ۱۰ ه. ق. / ۱۶ م. با به کارگیری تقسیمات اداری-مالی متنوع، به یکی از بزرگ‌ترین و پایدارترین حکومت‌های اسلامی تبدیل شد. پژوهش‌های مختلفی در رابطه با ساختار اداری-مالی امپراتوری عثمانی انجام شده است اما با این‌همه، پژوهشی به دست نیامد که به ساختار اداری-مالی امپراتوری یادشده با تکیه بر قانون‌نامه‌ها بپردازد و جای خالی چنین پژوهشی احساس می‌شود؛ از این‌رو، در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به‌ویژه قانون‌نامه «سلیمان قانونی» - که به نیکی تقسیمات اداری-مالی قلمرو عثمانی در قرن دهم را نشان می‌دهد - به تبیین ساختار اداری-مالی آن در قرن دهم پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تقسیم ممالک محروسه به واحدهای اداری نظیر ایالت، سنجاق، قضا و کوی (از اوایل قرن ۱۰ ق)، تمرکززدایی و اداره منظم‌تر سنجاق‌ها را در پی داشته است و از رهگذر تقسیم سنجاق‌ها به «سالیانلی» (اراضی مشمول مالیات سالیانه) و «سالیانسیز» (اراضی دارای مالیات خاص)، جمع‌آوری مالیات به شکل منطقی و

^۱ - کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران
sayadasemani67@gmail.com



با در نظر گرفتن تفاوت اقلیم صورت گرفته است. همچنین به منظور اداره اراضی و تأمین نیروی نظامی موردنیاز با کم‌ترین هزینه، سنجاق‌ها و زمین‌ها به شیوه مقاطعه و تیمار تقسیم می‌گشته‌اند. افزون بر این با ثبت املاک، نفوس و صدور قوانین جدید برای هر سنجاق و قسمت، روابط بین زمین‌داران و رعایا تحت نظارت باب عالی (مرکز حکومت) قرار می‌گرفت. در ادامه و از اواخر قرن دهم با گسترش تقسیماتی همچون آرپالیق، اشکینجی و مفروض القلم (نوع خاصی از اراضی با قوانین خاص)، به مالکان این بخش‌ها اختیارات زیادی داده شده و در نتیجه از اقتدار حکومت مرکزی در ایالت‌ها کاسته شد.

کلیدواژه: تقسیمات اداری عثمانی، طشری، سالیانلی، سالیانسیز، مقاطعه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در دوره‌های اولیه، امپراطوری عثمانی از یک مرکز واحد اداره می‌شد که با گسترش قلمرو خود به تقسیمات جدید اداری-مالی نیاز پیدا کرد؛ زیرا سلاطین عثمانی با حفظ قلمرو و جمع-آوری آسان مالیات‌ها، مملکت خود را به شکل‌های مختلفی، تقسیم می‌کردند و بقای حکومت خود را درگرو جمع‌آوری عایدی، از حوزه زیر نفوذ خود می‌دانستند. به‌منظور کارآمدی تشکیلات مالی و اداره قلمرو، حکومت می‌بایست قوانین متعددی را برای هرکدام از این بخش‌ها صادر می‌کرد. از این رو، بررسی تقسیم‌های اداری و قوانین آن به درک اقتدار امپراطوری آل عثمان در قرن دهم هجری کمک شایانی خواهد کرد. در موضوع تحقیق حاضر، مطالعات متعددی به زبان ترکی و انگلیسی انجام شده است. از جمله مدخل‌های طشری، سنجاق، سالیانه، مقاطعه، دیرلیق در دائره‌المعارف اسلام ترکی^۲ و آثار متعدد عمر لطفی بارکان، خلیل اینالجق و فاتح ارمیش (اینالجق، ۱۳۹۴: ۱۸۵-۱۸۰). کتاب « Osmanlı taşra teşkilatında XVIII. yüzyılda görev ve görevliler (Anadolu) » تشکیلات طشری آناتولی در قرن دوازدهم قمری را بر اساس یک نسخه خطی مورد مطالعه قرار داده است (Baykara, 1990). در مقاله‌ای با عنوان « XIX. Yüzyılda Osmanlı Taşra Teşkilatının Önemli Merkezlerinden Biri Olan Diyarbakır'da Bazı Görevlilerle İlgili Tespitler Evaluations on Some Officials in Diyarbakir, One of the Important Centers of the Ottoman Provincial Organization in the XIXth Century » در دیار بکر سده نوزدهم مورد بررسی قرار گرفته است (Yılmazçelik, 2012:223-240). در پژوهشی دیگر با عنوان « Osmanlı Taşra Teşkilatında Karahisâr-I Sâhib » تطورات سنجاق قره حصار، در تشکیلات طشری پیگیری شده است (Karazeybek, 2000:101-115). تحقیقاتی از این دست، محدود به یک منطقه بوده و به دنبال نشان دادن کارکرد نظام طشری و تقسیمات اداری-مالی نبوده‌اند. هدف از این پژوهش بررسی و تبیین ساختار اداری-مالی، در قلمرو آل عثمان و قوانین حاکم بر آن‌ها با تکیه بر قانون‌نامه‌ها به روش تحلیلی-توصیفی است؛ تا به این سؤال پاسخ دهد که ساختار اداری-مالی حکومت عثمانی در قرن دهم چه تطوراتی را طی کرده است؟ فرض تحقیق حاضر بر این است

که به کارگیری تقسیمات گوناگون در قرن ۱۰-۱۱ ق. منجر به تسهیل در اعمال حاکمیت و حفظ یکپارچگی قلمرو عثمانی شده است. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، تحقیق حاضر با استفاده از منابع دست‌اول (قانون‌نامه‌ها)، به‌ویژه نسخه‌ی ترکی قانون‌نامه‌های محمد فاتح و سلیمان قانونی، به بررسی کارکرد نظام طشری و دیگر تقسیمات اداری-مالی پرداخته است.

مدخلی بر مهم‌ترین تقسیمات اداری-مالی در قلمرو عثمانی

قلمرو آل عثمان که در منابع معمولاً با عنوان «ممالک محروسه» از آن یادشده، تقسیمات اداری-مالی متنوعی داشته است (Yılmazçelik, 2012: 226; Gözler, 2011, V. 1: 476). از انواع این تقسیم‌ها که به تقسیمات استانی امروزی بسیار شبیه است، تقسیم به ایالت، سنجاق، قضا و کوی بود. این تقسیم در قرون متأخر به‌عنوان طشری^۳ شناخته می‌شود. هر کدام از این بخش‌ها دارای تشکیلاتی سلسله‌مراتبی، با قوانین مدون بودند. در یک شیوه دیگر بر اساس نحوه پرداخت مالیات، سنجاق‌ها، مملکت را به دو بخش سالیانلی و سالیانسیز (خاصه) تقسیم می‌کردند. این نوع تقسیم در قرن ۱۰ ق. ۱۶ م. با افزوده شدن مناطق جدید به خاک عثمانی، کارکرد مهم و فراوانی داشته است. تقسیمات انجام‌گرفته ذیل مقاطعه و دیرلیق، نوع دیگر از این تقسیم‌های اداری در قلمرو عثمانی بوده است. در هر کدام از این بخش‌ها نمایندگان به‌منظور ثبت عایدی و آمار املاک و نفوس، از طرف باب عالی فرستاده می‌شد که دفتردار تیمار و کدخدا مهم‌ترین آنها بودند. همچنین مقاماتی چون «سوباشی» و قاضی، در کنار حاکمان بخش‌های بزرگ -همچون سنجاق و کوی- منصوب می‌شدند. در اواخر قرن دهم هجری روش دیگری از تقسیم به آرپالیق و اشکینجی و مفروض‌القلم نیز صورت گرفت که تبعات ویژه خود را داشته است.

نظام طشری و تقسیم قلمرو آل عثمان به ایالت، سنجاق، قضا و کوی

اصطلاح طشری (معنای لغوی؛ بیرون و خارج) در دوره عثمانی، به قسمت‌های خارج از پایتخت (استانبول) اطلاق می‌گردید که در مقابل تشکیلات باشکنت^۴ (پایتخت) قرار می‌گرفت. همان‌طور که سلطان در پایتخت تشکیلات مربوط به خود را داشت، در ایالت‌های خارج از پایتخت نیز سران ولایت‌ها تشکیلات مشابهی به‌منظور اداره قلمرو ایالت داشته‌اند. بنابراین

^۳. Taşra Teşkilatı

^۴. başkant

«تشکیلات طشری» به کلیه شیوه‌های به‌کارگیری اداره بخش‌های خارج از پایتخت، اطلاق می‌گردد.

بزرگ‌ترین بخش در تقسیمات اداری حکومت عثمانی ذیل طشری، ایالت نام داشت. بیگلربیگی ریاست بخش مزبور را عهده‌دار بود (İpşirli, 1992: 70; Çavuş, 1997: 6). چنان‌که در مرتبه پایین‌تر، سنجاق‌ها به ریاست سنجاق‌بیگ، قضاها به ریاست قاضی و ناحیه‌ها و کوی‌ها (روستاها) به ریاست کدخد، قرار داشتند. با توجه به استقلالی که ارباب زعامت و تیمار از آن برخوردار بودند، می‌توان حتی آنها را نیز یک واحد اداری دیوان‌سالاری عثمانی به حساب آورد. بیگلربیگی با گذر زمان از اواخر قرن ۸ ق. ۱۴ م. به فرمانده مستقل تعیین شده برای آناتولی - به مرکزیت کوتاهیه - اطلاق می‌شد. با فتح ادرنه در روم‌ایلی نیز، بیگلربیگی دوم شکل گرفت. در آغاز قرن ۹ ق. ۱۵ م. اصطلاح والی مترادف با بیگلربیگی به حکمرانان ولایت‌ها، خاصه ولایت‌هایی که تازه شکل گرفته بودند، اطلاق می‌شد. در این زمان واژه ولایت به معنایی مترادف با کلمه استان، مصطلح شد (Çavuş, 1997: 6). در اواخر قرن ۱۰ ق. ۱۶ م. تعداد بیگلربیگی‌ها بیش از ۳۰ واحد ذکر شده است. از میانه‌های قرن ۱۱ ق. ۱۷ م. به‌جای بیگلربیگی از عنوان ایالت، که در رأس آن والی قرار داشت، استفاده شد (Ermiş, 2013: 25). در انشعاب کوچک‌تر، «سنجاق»^۵ قرار داشت. در واقع هر بیگلربیگی متشکل از چند سنجاق بود (Çavuş, 1997: 3)؛ «سنجاق»^۶ در رأس این بخش «سنجاق بیگ»؛^۷ به‌عنوان حاکم، سوباشی؛ مأمور تأمین امنیت و قاضی؛ به‌منظور اجرای عدالت قرار داشتند. این مقام در قرن ۸ ق. ۱۴ م. «متصرف» نیز خوانده می‌شد (Ermiş, 2013: 25).

در ابتدا حقوق سنجاق بیگ دو هزار آقچه بود، ولی با حضور در سفرهای همایونی و نشان دادن لیاقت خود به درآمدهای بالاتری نیز - بر اساس آنچه در قوانین مقرر شده - نائل می‌آمد (Çavuş, 1997: 15). ولی افرادی که از ابتدا در امور دیوانی و نظامی بودند و به جایگاه سنجاق بیگی می‌رسیدند، درآمدشان بر اساس مقام و شغل پیشین مقرر می‌شد؛ چنان‌که اگر ینچری آغاسی به مقام مزبور می‌رسید مبلغی حدود پانصد هزار آقچه؛ نشانجی، دفترداران و میر علم مبلغ چهارصد و پنجاه هزار آقچه؛ قاپوچی باشی‌ها (سر دربان) و میرآخورکبیر (مأمور رسیدگی به اسطبل سلطان)، چهارصد هزار آقچه؛ و... غیره دریافت می‌کردند (افندی، ۱۲۸۰: ۲۷، ۲۸). گاهی

۵. sancak

۶. sancakbeyi

یک ایالت از به هم پیوستن چند سنجاق به وجود می‌آمد. ایالت قارص در زمان فتح سنجاق پاسبین که تابع ارض روم بود، به آن الحاق شد و یک بیگلربیگی در نظر گرفته شد. اردهان کوچک، خوجوان، ذاروشان، کچمران و قاغزمان دیگر سنجاق‌های آن بودند (افندی، ۱۲۸۰: ۲۱، ۲۲؛ Cavuş, ۱۹۹۷: ۳۷). همچنین ایالت طرابوزان با سنجاق باطوم یکی شده و یک بیگلربیگی را شکل دادند. بیگ‌نشین رقه بارها تجمیع شده و این بیگلربیگی را شکل داده بودند (افندی، ۱۲۸۰: ۲۳؛ Cavuş, ۱۹۹۷).

سنجاق به واحد کوچک‌تری به نام «قضا» تقسیم می‌شد که قاضی به‌عنوان حاکم آن، سوباشی مأمور امنیت آن و قاضی دیگری نیز به‌منظور اجرای عدالت، اداره آن را بر عهده داشتند. جمعیت قضاها معمولاً بین ۳۰۰۰ تا ۲۰،۰۰۰ متغیر بود و حدود ۲۰-۱۵۰ روستا زیر نظر آن بود. هدف اصلی از تشکیل قضا، رسیدگی به کشاورزی این روستاها بود. عمده تولیدات کشاورزی روستا، تأمین‌کننده قضایی بود که به آن تعلق داشت. در صورت وجود مازاد، آن محصول به سایر شهرها منتقل می‌شد. در روستاهایی که در ذیل قضا قرار داشتند «کدخدا» در رأس امور قرار داشت، «نائب قاضی» مأمور دادرسی و «جوانمرد» مأمور برقراری امنیت، بودند (Ermis, 2013:25).

در سده دهم هجری، حکومت مرکزی، معمولاً مناطق تازه فتح‌شده را تحت نظارت مستقیم سنجاق‌بیگی‌ها قرار می‌داد و درنهایت، در رأس آن بیگلربیگی‌هایی می‌گماشت. تحت این شرایط، شکل‌گیری بیگلربیگی‌های جدید، تقریباً همیشه روندی طولانی سپری می‌کرد که ملاحظات سیاسی بر آن حاکم بود. برای نمونه، چنین روندی در مورد بوسنه که قبلاً وابسته به روملی بود، در حدود سال‌های ۸۶۷-۹۸۸ ق. / ۱۴۶۳-۱۵۸۰ م.، به طول انجامید؛ پیش از آن که این ایالت به یک بیگلربیگی مستقل برای مقابله با اثریش بدل گردد. بیگلربیگی گری آزا، در اواخر سده ده هجری، از ادغام سنجاق‌های غربی دریای سیاه، به‌عنوان سدی در برابر قزاق‌ها، به وجود آمد. در سال ۹۲۶ ق. / ۱۵۲۰ م. تنها شش بیگلربیگی گری در دولت وجود داشت؛ در اواخر سلطنت سلیمان، شمار ایالات به شانزده رسید (افندی، ۱۲۸۰: ۶-۱۲؛ اینالچق، ۱۳۹۴: ۱۸۱). در سال ۹۳۳ ق. / ۱۵۳۳ م. بیگلربیگی گری الجزایر به وجود آمد و در کوششی برای یکپارچه کردن همه قوای بحریه بر ضد شارل پنجم، به خیرالدین بارباروس واگذار شد. بارباروس (د. ۹۵۳ ق. / ۱۵۴۶ م.) به‌عنوان قاپودان دریا، الجزایر را که خود فتح کرده بود، با سیزده سنجاق در سواحل و جزایر مدیترانه، تحت حکومت خویش، متحد ساخت. پس از دهه ۹۹۰ ق. / ۱۵۹۰ م. بیگلربیگی‌ها - که در آن زمان به ایالات موسوم شده بودند- از حیث حجم، محدود شدند. تا حدود سال ۱۰۱۹

ق. ۱۶۱۰/ م. سی و دو ایالات در دولت وجود داشت (Çavuş, 1997: 42-43؛ Turan, 1992: DTV). این تعداد را چهل سال بعد علی چاووش سی و چهار بیگلربیگی دانسته است (Çavuş, 1997: 6). این مسأله بیانگر افزایش تعداد ایالت‌های خاصه عثمانی، در بین ۱۰۰۸-۱۰۶۰ ق. ۱۰۰۸-۱۰۶۰ م. است. در حالی که تنها به نُه مورد از ایالت‌های سالیانه به صورت ثابت اشاره شده و تغییری نپذیرفته است (Çavuş, 1997: 6).

به منظور روشن شدن تقسیم نظام طشری و مسئولان آن جدولی در ادامه ارائه شده است.

جدول ۱. نظام طشری

| تقسیمات اداری | حاکم | مسئول عدالت | مسئول امنیت |
|------------------|--------------|-------------|-------------|
| ایالت | بیگلربیگی | قاضی | سوباشی |
| سنجاق | سنجاق بیگی | قاضی | سوباشی |
| قضا | قاضی | قاضی | سوباشی |
| کوی (روستا) | کدخدای روستا | نائب قاضی | جوانمرد |

تقسیم به سالیانلی و سالیانسیز بر اساس نحوه پرداخت مالیات

سلاطین عثمانی به‌ویژه از قرن شانزدهم، با وسعت یافتن مملکت، در کنار تقسیمات طشری به تقسیم دیگری نیز روی آوردند. بخش‌هایی که به صورت تیمار اداره می‌شد و همه درآمد آن به مالکان تیمارها اختصاص داشت، عنوان سالیانسیز یا خاص گرفت؛ زیرا مالیات این قسمت‌ها به صورت منظم و سالیانه نبود و در طول سال با توجه به اقلیم، محصولات کشاورزی و زمان درو کردن آن، تفاوت داشت. در این ایالت‌ها حکمرانان و مقام‌های دیوانی حقوق خود را از محل درآمدهای سنجاق مرکزی و برخی منابع دیگر تأمین می‌کردند. مالکان تیمارها همه وظایف خود، از جمله تحصیل مالیات‌ها و برقراری نظم محلی را، تحت نظارت مالکان سنجاق انجام می‌دادند (افندی، ۱۰: ۱۲۸۰، ۱۱: ۷-۶؛ Çavuş, ۱۹۹۷). گروه دیگری از سنجاق‌ها با عنوان سالیانلی (سالیانه) مشهور بودند و بیشتر از قرن ۱۰ ق. ۱۶/ م. رواج پیدا کردند. همان‌طور که از عنوان این

بخش‌ها مشخص می‌شود مالیات آن به صورت سالیانه و مشخص، هر ساله در زمانی معین پرداخت می‌گردید. سنجاق‌های سالیانه به صورت مقطعه اداره می‌شد که در واقع حکمرانان در اصل هر سنجاق را به صورت یک واحد مقطعه در اختیار داشتند؛ به گونه‌ای که ملزم بودند سالیانه مبلغ ثابتی (ارسالیه) به خزانه مرکزی بپردازند، اما اجازه داشتند علاوه بر مقرری منظمی (سالیانه) که از خزانه دریافت می‌کردند، باقیمانده درآمدهای مالیاتی را نیز به عنوان سود برای خود نگه دارند (وفیق، ۱۳۲۸: ۶۱؛ ۱۰۲: ۱۹۹۲، Genç).^۷ سنجاق‌های سالیانه بیشتر در اواخر قرن ۱۰ ق.م. در ایالت‌های عرب‌نشین و تعدادی کمی نیز در بالکان - به ویژه در ایالت قاپودان پاشا - قرار داشتند (افندی، ۱۲۸۰: ۱۰؛ ۱-۶: ۱۹۹۷، Çavuş). بنابراین حکومت با به کارگیری تقسیم سالیانلی و سالیانسیز، مالیات مناطق مختلف را بر اساس اقلیم و زمان درو کردن محصول، اخذ می‌کرد. این شیوه، پرداخت مالیات را برای زمین‌داران و رعایا را آسان می‌کرد و بدین ترتیب از نارضایتی رعایا کاسته می‌شد.

تقسیم مملکت عثمانی بر مبنای مقاطعه زمین

یکی از نظام‌های تقسیم و اداره قلمرو در حکومت عثمانی، مقاطعه بود. در دیوان‌سالاری آل عثمان، این روش در آغاز صرفاً برای جمع‌آوری مالیاتی که به دولت متعلق بود به کار می‌رفت؛ به همان شکلی که در دوره حکومت‌های پیش از آن به کار رفته بود (Genç, ۱۹۹۷: ۵; Çavuş, ۱۰۲: ۱۹۹۲). اما بعدها، به معنی واگذاری عایدی یک منطقه در مقابل توافق به کار رفت. این شیوه ظاهراً از قرن نهم تا چهاردهم هجری به عنوان یکی از منابع درآمد حکومت، دوام آورد. در واقع، آن اراضی که بلاصاحب شده بود و توجیهی برایش وجود نداشت، از طرف اداره میری، به عنوان مقاطعه گرفته می‌شد و امور آن زیر نظر «مقاطعه‌چی» تداوم می‌یافت (عارف، ۱۳۲۹، ۲۰؛ وفیق، ۱۳۲۸، ۶۱). مقاطعه در شهرها و ایالت‌های بزرگ که ابتدا مخصوص امور اراضی و عشر تولید محصولات کشاورزی بود، گسترش یافت و در ادامه، رسوم و درآمدهای بازار و گمرک، مالیات ضراب‌خانه، مسکرات و احداث املاک جدید نیز به آن افزوده شد. در واقع دولت، عایدی آتی اقطاع را پیش‌فروش می‌کرد (عارف، ۱۳۲۹، ۲۰؛ وفیق، ۱۳۲۸، ۶۱). نعیم‌ا اشاره می‌کند که «عموجا زاده حسین پاشا»^۸ بخشی از مقاطعه خود را در ازای کاری که مصطفی نعیم‌ا

^۷ در پیوست ۱ به مهم‌ترین بخش‌های سالیانلی و سالیانسیز اشاره شده است.

^۸ Amca-zâde Hüseyin Paşaya

انجام داده بود به او بخشید (۱۲: ۱۹۶۷: Naima). ظاهراً، منطق حاکم بر نظام مقاطعه، جبران کمبود خزانه بود.

مقاطعه‌هایی که از مالیات‌ها و رسوم جمع‌آوری می‌شد، انواع مختلفی داشت. در کنار مقاطعه‌هایی که درآمد سالانه‌ای از چند صد آقچه تا بیست میلیون آقچه برای خزانه داشت، با برخی از مقاطعه‌ها در داخل یک ایالت، روستا و نیز مزارع مواجهیم که دسته‌بندی آن از لحاظ میزان مبلغ مقاطعه، بسیار دشوار می‌نماید. درک منطق وسعت مکانی هر قطعه و میزان مقاطعه آن، کار دشواری است. با وجود این، اغلب، یک رابطه معکوس بین تنوع اقلام مالیاتی موجود در مقاطعه و وسعت فضای آن وجود دارد. بدین معنی که با افزایش نوع مالیات و رسوم موجود در آن، وسعت هر قطعه، محدود می‌شود. در مقابل، مقاطعه‌هایی که محدوده مکانی آن، شامل یک نوع واحد مالیاتی است، وسعت بیش‌تری می‌یابد. برای نمونه، گمرک توتون که تنها یک درصد از درآمد خزانه را شامل می‌شود در کل امپراتوری از ده مقاطعه تشکیل می‌شد. قهوه تنها از دو مقاطعه، یکی در استانبول و دیگری در سوریه تشکیل می‌شد. مالیات نخ و پنبه در کل امپراتوری تنها در یک مقاطعه پوشش داده می‌شد. مالیات ابریشم در تمام مراکز مهم آن مثل بورسا، ادرنه، ازمیر و سالونیک به صورت یک مقاطعه درآمد بود (۱۰۲: Genç, 1992). در یک دسته‌بندی دیگر، بین فضای مقاطعه و تعداد اقلام مالیاتی که در آن وجود داشت، رابطه زیر برقرار بود:

در یک طرف روستاها و مزارعی که به صورت متراکم در یک منطقه قرار گرفته بودند، در طرف دیگر، ایالت‌هایی که مزارع و اقلام پراکنده‌ای داشتند و در بین آن، ناحیه و قضا‌هایی که دارای اقلام مختلفی بودند، قرار می‌گرفتند. در مجموع، قرار دادن مقاطعه‌ها در یک دسته‌بندی جامع ممکن نیست (۱۰۳: Genç, 1992).

در حکومت عثمانی سه روش اصلی امانت، التزام و مالکانه برای مدیریت مقاطعه وجود داشت (۲۰: ۲۰۱۳: Ermiş, ۱۹۹۷: ۴۹-۵۱; Cavuş, ۱۹۹۷). امانت^۹ اقطاعی بود که توسط/مین، اداره می‌شد و درآمد آن به خزانه انتقال پیدا می‌کرد. امین، حقوق معینی را -صرف نظر از درآمد یا زیان مقاطعه- از دیوان دریافت می‌کرد (وفیق، ۱۳۲۸، ۶۲-۶۴) (۲۰: ۲۰۱۳: Ermiş). مقاطعه‌هایی که به اندازه کافی، برای جذب ملتزم سودآور نبودند، اغلب، با امانت واگذار می‌شد (وفیق، ۱۳۲۸، ۶۲-۶۴) (۲۰: ۲۰۱۳: Ermiş). امین باید توجیه سالانهٔ اموال، به ویژه اقسام تیول را به نشانجی

۹. Emānet

تحويل می‌داد(عارف، ۱۷، ۱۳۲۹). درآمد مالیاتی زمین «مقاطعه» به شخص ملتزم، برای مدت‌زمان تعیین‌شده، از طریق حراج فروخته می‌شد که به آن التزام می‌گفتند. منطق نظام التزام، مسأله‌ای مهم جهت حفظ تعادل میان درآمدهای دولتی و هزینه‌های دولت بود. التزام به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمد دولت از بین مالیات‌های کشاورزی، بهره‌وری کشاورزی را در سراسر سال حفظ می‌کرد. این به نفع دولت نبود که هزینه‌های آن به هنگام بهره‌وری پایین کاهش یابد. باید در نظر داشت که انتقال از سیستم تیمار به‌نظام التزام، موازی با فرآیند تقویت ارتش «قاپی قلو» (ارتش مرکزی) و تضعیف ارتش سپاهی بود(Çavuş, ۱۹۹۷: ۵۰-۵۱؛ وفیق، ۱۳۲۸، ۶۲؛ Ermiş, ۲۰۱۳: ۲۰). شخصی که از ملتزم مالیات را تحصیل می‌کرد، عنوان «مباشر» داشت(عارف، ۱۳۲۹، ۱۹). تفاوت میان التزام و امانت تا میانه‌های قرن ۱۱ ه.ق/۱۷ م. چندان مشخص نبود، ولی از این دوره به بعد، از هم متمایز شد. یکی دیگر از تحولات مقاطعه در این دوره، جلوگیری از دخالت قضات در امور آن بود. البته تحولات دیگری همچون صدور برات برای التزام‌ها و تأکید دیوان همایونی برای توزیع گسترده التزام، از تحولات مقاطعه در این دوره بود(Çakır, ۲۰۰۳: ۶).

حکومت عثمانی تقریباً، تمام معادن طلا، نقره، مس، سرب، نمک، آهنک، امکانات زیربنایی ضروری برای کشت برنج و آسیاب‌های قهوه و غیره را که به‌عنوان میری در اختیار داشت، به‌صورت مقاطعه سازمان‌دهی کرده بود. برای هر کدام از موارد مذکور، دفتری در نظر گرفته‌شده بود تا عایدی آن را به‌صورت دقیق ثبت کند. در اوایل قرن یازدهم ق. حدود پانصد واحد مقاطعه در دفاتر به ثبت رسیده بود(۱۰۷-۸۷: Tabakoğlu, ۱۹۸۵). بزرگ‌ترین واحدهای مقاطعه در ایالت‌های توقات^{۱۰}، دیار بکر، ماردین^{۱۱}، حلب، قبرس، اوسکوب^{۱۲}، کفه^{۱۳} و دیگر مناطق دورافتاده قرار داشتند، هر کدام از این واحدها از مقاطعه‌های متنوعی تشکیل شده بودند. عایدی این مقاطعه‌ها با نظارت ناظران، محصلان و فرمانداران محلی^{۱۴} جمع‌آوری می‌شد. برای نمونه، مالیات «توقات» زیر نظر ویودا و حلب زیر نظر محصل بود. در همین رابطه، در ایالت توقات در

^{۱۰}. Tokat

^{۱۱}. Mardin

^{۱۲}. Üsküp

^{۱۳}. Kefe

^{۱۴}. voyvoda

سال ۱۰۷۰ ق. تعداد بیست و چهار و در ایالت حلب به سال ۱۱۰۲ ق. تعداد سی و یک مقاطعه قرار داشت. در اواخر قرن مذکور، تعداد مقاطعه‌های ثبت شده در دفاتر، نشان از افزایش تعداد آنها دارد (Genç, 1992: ۱۰۲). بودجه مالی عثمانی به طور کلی از سه بخش مالیات گرفته شده از املاک و اراضی در اختیار مسلمانان و غیرمسلمانان، جزیه غیرمسلمانان و مقاطعه‌ها تشکیل شده بود. در قرن یازدهم ق. مقاطعه‌ها بالاترین درصد را به خود اختصاص داده بود و بالغ بر شصت و شش درصد از درآمد خزانه را تشکیل می‌داد. ولی این میزان، بعد از نبردهای مهم عثمانی با اروپا -به ویژه مسکو- در حدود سال ۱۱۰۱ ق. به چهل و چهار درصد رسید. بعد از آن، در سال- های ۱۱۷۵-۱۱۷۷ ق. به شصت درصد افزایش یافت و نهایتاً، شیوه مالکانه جایگزین شیوه التزام گردید (Genç, 1992: ۱۰۲).

روش دیگر بهره‌برداری از زمین در دوره عثمانی با عنوان مالکانه^{۱۵} شناخته می‌شد. این شیوه در واقع، ابداع شد تا مقاطعه ملتزم را تثبیت کند. تفاوت اساسی آن با سیستم التزام در این بود که یک قرارداد مالکانه (ملاکی) برای مدت طولانی (معمولاً عمری) بسته شد. منطق اصلی سیستم مالکانه این بود که ملتزم را تشویق به سرمایه‌گذاری در مقاطعه خود کند تا به این طریق، درآمد بلندمدت حکومت را افزایش دهد (Ermiş, ۲۰۱۳: ۲۱). مالکانه طی فرمانی در سال ۱۱۰۶ ق. اجرا شد. از اوایل قرن دوازدهم ق. مالکانه به سرعت جایگزین التزام گردید. در بین سال‌های ۱۱۰۴ تا ۱۱۷۵ ق. مالکانه‌ها با رشد شصت درصدی همراه بودند. مقدار مالکانه ثبت شده در دفاتر مالی این دوره، به خوبی نشانگر این موضوع است. این افزایش در میان واحدهای مقاطعه‌ای که به صورت گروهی بودند نیز به وضوح دیده می‌شود. برای نمونه، در ایالت توقات به سال ۱۰۷۰ ق. بیست و چهار مورد به ثبت رسیده بود. در حالی که در سال ۱۱۶۹ ق. تعداد آن به ۷۸ رسیده است (Çavuş, ۱۹۹۷: ۵۰). عوامل مختلفی موجب گسترش مالکانه در این دوره شد؛ از جمله انحطاط تیمار که موجب شد تا بخش زیادی از دیرلیق‌های پادشاه به صورت مالکانه واگذار شود؛ با گسترش تجارت، زمینه‌های جدید اقتصادی شکل گرفته با مالیات‌بندی، به صورت مقاطعه به افراد واگذار می‌شد؛ سرمایه‌گذاری دولت در امور صادراتی موجب ایجاد مقاطعه‌های جدید گردید؛ از اواخر قرن دوازدهم ق. تأسیس کارگاه‌های خصوصی مانند کارگاه پارچه که به صورت مقاطعه به افراد واگذار می‌شد، موجب افزایش مالیات‌های وارده به خزانه همایونی شد (Çavuş, ۱۹۹۷: ۵۰).

تقسیم ارض عثمانی بر پایه میزان عایدی

تقسیم دیگری در قلمرو عثمانی بر اساس عایدی (دیرلیق) انجام می‌گرفت. در تشکیلات اداری - نظامی عثمانی، دیرلیق‌ها بر اساس ارزش و عایدی آن در سه گروه، به ترتیب زیر قرار داشتند؛ زمین‌هایی که سالانه، عایدی کم‌تر از بیست هزار آقچه داشتند تیمار؛ آن دسته که بین بیست هزار تا یک میلیون آقچه داشتند، زعامت؛ و گروه سوم که بیش از صد هزار آقچه درآمد داشتند، خاص خوانده می‌شد. (فندی، ۱۲۸۰: ۷۹) نوع آخر صرفاً، به خانواده سلطان و در زمان‌های ضعف به وزرا و رؤسا تعلق می‌گرفت (Ermis, ۲۰۱۳: ۱۹). باوجوداین، گاه اطلاق عنوان تیمار، زعامت یا خاص بر یک زمین، بر اساس سلسله‌مراتب نظامی مالک آن بود، نه میزان درآمد زمین (Paşazade, ۲۰۰۳: ۲۴۹; Barkan, 1980: ۸۰۵).

زعامت‌ها که زعیم در رأس آن قرار داشت، معمولاً به مأمورانی مانند «سوباشی»، دفترداران مرکز ایالت و «آلای بیگ‌ها» داده می‌شد (افندی، ۱۲۸۰: ۷۸). علاوه بر مقامات مذکور، گاهی به عنوان نوعی موجب و حقوق به مقامات حکومتی و درباری نیز تعلق می‌گرفت. برای نمونه چاووش‌ها، متفرقه‌ها و منشیان دوایر حکومتی می‌توانستند تیمار و زعامت دریافت کنند (اینالجق، ۱۳۹۴: ۳۰۱). زعامت‌ها از دو بخش حق شمشیر و سهم شکل گرفته بودند؛ نوع بیست هزار آقچه‌ای آن، مخصوص حق شمشیر صاحب زعامت در نظر گرفته شده بود و مابقی عایدی افزوده شده به آن «حصه» خوانده می‌شود. ارباب زعامت موظف بودند بر اساس هر پنج هزار آقچه، مازاد بر حصه یک جبلوی آماده، تربیت کنند و در زمان نبرد به همراه آنان در زیر لوای سنجاق بیگ حضور یابند (افندی، ۱۲۸۰: ۷۹).

زعامت‌ها از قوانین ویژه‌ای در هر سنجاق برخوردار بودند؛ چنان‌که تمام بخش‌های زعامتی مستقل بوده و همه مالیات‌های شرعی و عرفی را خود جمع‌آوری می‌کردند. کسی اجازه دخالت در آن را نداشت. تا آنجا که حتی در زمان صلح تابع سنجاق بیگ‌ها نبودند و اگر مجرمی در خاک آنها پیدا می‌شد، خود باید او را دستگیر می‌کردند. درآمد حاصل از سود و مالیات جمع‌آوری شده زعامت‌ها، پس از تأمین نیازهای محلی، به خزانه آل عثمان ارسال می‌شد. حتی در زمان‌های جنگ هم به این خزانه رجوع نمی‌شد و هزینه‌های محلی از طریق درآمدهای محلی تأمین می‌شد.^{۱۶} به این ترتیب، با جوهاتی که در خزانه مرکزی ذخیره شده بود، «علوفه ینی‌چریان» و

^{۱۶}. علاوه بر قوانین فوق، احکام دیگری نیز در خصوص زعامت‌ها در قانون‌نامه‌ها اشاره شده است که در

سپاهیان، بخشش جلوس^{۱۷}، اجرت‌های اختصاص داده‌شده به علما، عساکر، کاتبان و به‌طور کلی، کارکنان دیوان‌ها و هم‌چنین هزینه‌های ساخت و ترمیم و محافظت از جاده‌ها، پل‌ها، مساجد، مدارس و نیز مؤسسات علمی و دینی، تأمین می‌شد(افندی، ۱۳۸۰: ۸۰). ظاهراً در میانه‌های قرن ۱۱ ق. ۱۷/ م. زعامت‌ها استقلال پیدا کرده بودند و این موضوع، سبب کمبود سرباز شده بود. به همین منظور در سال ۱۰۴۲ ق. ۱۶۶۳ م. حسین پاشا بیگلربیگی روم ایلی، دستور بازرسی از زعامت و تیمارها را داد(۱۱۸۶، ۳، V. Naima, 1968). یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها برای جلوگیری از قدرت‌یابی تیمارداران، اعطای تیمارهای پراکنده در سطح مملکت به یک شخص بود. تیماردار حق بهره‌برداری از کلیه منابع تیمار را داشت و حتی می‌توانست دهقانان خارج از این محدوده را برای استقرار در آن فرا بخواند(۱۷۲-۱۷۰: ۲۰۰۴: İnalçik). سپاهیان، مسئولیت حراست از رعایا در سراسر کشور را بر عهده داشتند درعین حال، وظایف مهمی نیز در زمینه جبايت مالیات‌ها و اجرای قوانین اراضی انجام می‌دادند(اینالچق، ۱۳۹۴: ۲۰۲).

افزایش اختیارات حکام و کاهش اقتدار حکومت مرکزی با تقسیم به سربست، آرپالیق و حکومتی

نحوه اداره سنجاق‌های موروثی متعلق به سرکردگان ایالت‌ها در برخی از مناطق شرق آناتولی و حتی قسمت‌هایی از اروپا متفاوت بود. قوانین ویژه‌ای به منظور اداره چنین سنجاق‌هایی که با عنوان‌های آرپالیق، پاشماقلیق، سربست، نوبتی، اورتاق، یوردلق، اوجاق‌لیق، حکومتی یا مفروض القلم و مقطوع القدم و وینوق شناخته می‌شد، در نظر گرفته شده بود(Çavuş, ۱۹۹۷: ۵۸۵-۶; Barkan, ۱۹۸۰: ۵۰-۴۷). در تشکیلات مالی عثمانی نوعی از زمین‌ها به‌عنوان کمک‌هزینه یا بازنشستگی، از کارافتادگی، کناره‌گیری از شغل و یا برای تأمین زندگی به مأموران عالی‌رتبه اداری و علمای طراز اول پرداخت می‌گردید که به عنوان آرپالیق و پاشماقلیق شناخته می‌شد(۳۹۲: ۲۰۰۴: Baltacı). به‌طور کلی، این نوع از سنجاق‌ها که عایدی فراوانی داشتند، به فرماندهان نظامی، رجال علمی، قاضی‌عسکرها و ... از قرن ۱۱ ق. ۱۷/ م. به وزراء، امراء بیگلربیگی‌ها، دفترداران و نشانچی‌ها داده می‌شد(Mantran, V. ۱: ۵۸۵-۶; Barkan, 1980: ۶۵۸). معمولاً، افزایش آرپالیق، بیانگر کاهش قدرت سلطان و بیانگر بی‌نظمی تشکیلات دیوانی

پیوست ۲ به مهم‌ترین این قوانین اشاره رفته است.

^{۱۷}. culûs bahşışleri

بود (قوچی بیگ، ۱۲۷۷ق: ۱۲). در منابع اشاره شده است که سنجاق «سیلیستر»^{۱۸} به عنوان آرپالیق به قاضی گرای-خان تاتار-بخشیده شد (Naima, 1967: V. ۱, ۲۲۱). هم چنین، «سیگتوار»^{۱۹}، «پچوی»^{۲۰}، «شیکلش»^{۲۱} و «اسک»^{۲۲} با همان عنوان به حسن پاشا و دیگران بخشیده شد (Naima, ۱۹۶۷, ۲۵۵). کم کم با بخشش آرپالیق‌ها به افراد مختلف و سوءمدیریت آن، وضعیت آرپالیق‌ها نامناسب شد؛ تا جایی که قوچی بیگ به لزوم جلوگیری از تبدیل تیمارها و زعامت‌ها به آرپالیق تأکید دارد (قوچی بیگ، ۱۲۷۷: ۲۳، ۲۷). ظاهراً، این نوع بخشش زمین، بعد از انحطاط تیمار شکل گرفت. بخشی دیگری از سنجاق‌ها با توجه به مقام اشخاص، معافیت‌های مالیاتی داشتند که به اراضی مستقل (سر بست) معروف بودند. ویژگی اصلی این زمین‌ها استقلال کامل زمین‌دار در اداره آن بود. همهٔ خاص‌ها و زعامت‌های متعلق به ضابطین، چری‌باشی، یا آنان که در منطقهٔ خود قدرت نظارت داشتند -مانند بیگلربیگی، سنجاق‌بیگی، آلا‌بیگی، زعیم‌ها و غیره- در این طبقه قرار می‌گرفت (Barkan, 1980: ۷۹۲; Çavuş, ۱۹۹۷: ۵۹-۶۱).

نوع دیگر از سنجاق‌ها و چیفت‌ها متعلق به نوبت‌چیان یا یا و مسلم^{۲۳} بود که در قبال تصرف چیفت، بدون مالیات به صورت نوبتی به جنگ اعزام می‌شدند (Barkan, ۱۹۸۰: ۷۹۳). در خصوص شکل‌گیری تیمارهای نوبتی چنین آمده که ظاهراً نخستین سلاطین عثمانی تعدادی از اراضی را به صورت موروثی به سپاهیان واگذار می‌کردند، این اراضی قابل انتقال به اشخاص خارجی نبوده و بعد از مرگ شخص، بین پسرانش تقسیم می‌شد. اعطای این تیمارها در زمان حضور شخص در زمین نبرد یا بعد از آن انجام می‌گرفت. در ولایت آناتولی تیمارها به شکل نوبتی درآمد و به تعدادی از افراد، به صورت نوبتی واگذار می‌شد. آنها در زمان جنگ به نوبت عازم جنگ شده و به نوبت برای شان تیمار ثبت می‌شد (افندی، ۱۲۸۰: ۶۵؛ ۹۶: Çavuş, 1997). تأکید لطفی پاشا به مدیریت آنها، اهمیت این گونه سنجاق‌ها را نشان می‌دهد (Lütfi Paşa, ۳۶: ۱۹۹۱). در خصوص این نوع از تیمار، چنین اشاره شده که زمین بین اشخاص برای تقسیم

-
- ۱۸. Silistre
 - ۱۹. Sigetvar
 - ۲۰. Peçuy
 - ۲۱. Şikloş
 - ۲۲. ösek
 - ۲۳. Yaya, Muslum

بین سپاهیان پیش از اعزام به نبرد، واگذار می‌شد. در صورتی که فرد در سفر همایونی (ارتش سلطان) فوت می‌کرد، زمین او بین پسرانش تقسیم و استحقاق (عوض) طلب نمی‌شد. در صورتی که شخص پسر نداشت، بین وارثان او (چه مرد و چه زن) تقسیم می‌شد. در این نوع از تیمار اگر ارباب تیمار در زمان لازم جبلو را با توجه به مقدار سهمش آماده و اعزام نمی‌کرد، محصولش از طرف موقوفات و توسط امین دفتر به نفع میری ضبط می‌شد (افندی، ۱۳۸۰: ۹۶؛ عارف، ۱۳۲۹، ۵۷-۵۸).

گروه دیگری از سنجاق‌ها ظاهراً در اختیار اورتاقچی‌ها بود. اورتاقچی‌ها که زیر نظر مستقیم سلطان قرار داشتند، بدون دلیل موجه نمی‌توانستند سنجاقی را که در آن کار می‌کردند، ترک کنند (Barkan, 1980: ۵۹۱). میراث آنان مانند یک انسان آزاد نبود. در حقیقت، بر اساس محتوای قانون‌نامه، میراث یک اورتاقچی به نزدیکان و فرزندان او انتقال نمی‌یافت. زنان تنها زمانی می‌توانستند از اموال شوهر خود بهره‌مند شوند که بچه‌ای کوچک داشته باشند. در غیر این صورت، خود به شخصی دیگر به زنی داده‌شده و اموال همسرشان برای «بیلیق‌ها» ضبط می‌شد. فرزندان ذکور یک اورتاقچی نیز در حالتی که پیش از مرگ پدر خود، اورتاقچی مستقلی شده بودند، نمی‌توانستند از محصولات پدری، ارثی ببرند (Barkan, 1980: ۵۹۱).

گروه دیگر از سنجاق‌ها و زمین‌ها متعلق به اشکینچی‌ها و اوجاقلیق‌ها و یوردلیق‌ها بود. زمین‌هایی که آنها در اختیار داشتند، ملک یا وقف خانوادگی بود (Özel, ۲۰۱۶: ۶۹-۷۱). شکل‌گیری اوجاقلیق‌ها به دوره احمد اول (حک. ۱۰۱۲ - ۱۰۲۶ ق.) نسبت داده شده است. اوجاقلیق‌ها در ایالت‌های بوسنه، آناتولی، وان، دیار بکر، چلدر، طرابوزان، شام، مصر، حلب و غیره قرار داشت (Çavuş, 1997: ۵۸). در این دوره با توجه به تهدیدهایی که از طرف اروپایی‌ها و به خصوص هابسبورگ متوجه حدود عثمانی بود، اقدام به موروثی کردن تیمار و زعامت‌های بوسنی شد که بعدها از این اراضی با عنوان اوجاقلیق یاد شده است (Çavuş, 1997: ۵۸; İnalcik, 2004, ۱۶۸-۱۷۰). نعیم‌ها به مناطق رقه و جزیره اشاره دارد که به عنوان اوجاقلیق در اختیار شرفای آنان قرار داشت (Naima, ۴۸۱: ۱۹۲۷). سنجاق‌های صغمان، قولب، سهرنی، ترجیل، اوتاق، پرتف، چپچچور و چرمق در قرن ۱۱ ق. ۱۷۰ م. با عنوان یوردلیق و اوجاقلیق شناخته می‌شدند (افندی، ۱۳۸۰: ۲۲). در قوانین زمین‌های یوردلیق و اوجاقلیق در ایالت دیار بکر، این‌گونه آمده است که در صورت فوت پدر به فرزند منتقل می‌شد و به شخص خارجی انتقال نمی‌یافت. لیکن، مانند سنجاق‌ها، ابواب محصولات آن، تحریر و در دفتر ثبت می‌شد. نظام تیمار

و زعامت در بخشی از آن جاری بود. در صورت وقوع سفر همایونی (جنگ‌ها)، تیمارداران و زعما به همراه دیگر سنجاق‌بیگ‌ها به خدمت سلطان می‌رسیدند و اگر در جنگ‌ها حاضر نمی‌شدند، سنجاق ایشان گرفته‌شده و به فرزندان یا نزدیکان‌شان انتقال می‌یافت (Çavuş, 1997: ۵۸).
افندی، ۱۳۸۰: ۲۰).

بخش دیگری از سنجاق‌ها به عنوان مفروض‌القلم و مقطوع‌القدم یا حکومتی شهرت داشتند. در سرزمین‌هایی که با عنوان حکومت اداره می‌شدند، سازمان تیمار و زعامت وجود نداشت. حاکمان این نوع زمین‌ها دخل و تصرف مالکانه در آن داشتند. با توجه به مفروض‌القلم و مقطوع‌القدم بودن، ابواب محصولات هرچه باشد متعلق به حاکم بود (Çavuş, 1997: ۵۸). در منابع، سنجاق‌های جزره، اکیل، کنج، پالو، جزو ایالت دیار بکر و سنجاق تبلیس در ایالت وان، حکومت عمادیه جزو ایالت بغداد بود (افندی، ۱۳۸۰: ۲۴). مهروان که در ایالت شهرزول قرار داشت به‌عنوان حکومت‌های مفروض‌القلم و مقطوع‌القدم آمده‌است (افندی، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۵). حاکم، مالکیت تام داشت و در آن، تحریری جهت ثبت عایدات وجود نداشت. تیمار و زعامت در آن جاری نبود و تمام عایدات آن متعلق به حاکم بود. مهم‌ترین وظیفه آنها، محافظت از مناطق و گلوگاه‌ها و راهنمایی لشکر در زمان نیاز بود (Çavuş, 1997: ۵۸). حاکمان این نوع اراضی از مرکز (باب عالی) فرستاده نمی‌شد و از خود منطقه انتخاب می‌شد. لیکن، مانند دیگر فرماندهان در زیر لوای بیگلربیگی منطقه جمع می‌شدند. بیگ آن (کسی که به ریاست سنجاق انتخاب شده بود) به‌هیچ‌روی، عزل نشده و در صورت مرگ یا کم‌کاری در زمان جنگ، ملک او به خانواده و نزدیکان او انتقال می‌یافت و به‌هیچ‌وجه به غیر نزدیکان سپرده نمی‌شد.

وینوق، گروه دیگری از دارندگان زمین، در قلمرو عثمانی بود. این گروه ظاهراً از قرن ۹ ق.م. در ارتش عثمانی استخدام شدند. این افراد دو دسته بودند. دسته اول به تیمار و نگهداری اسب‌های ارتش می‌پرداختند که وینوق خوانده می‌شدند. دسته دیگر از ایشان به امور اسب‌های سرای (کاخ) مشغول و چایر یا وینوق‌عامه نامیده می‌شدند. این گروه زیر نظر چی‌باشی بودند که تیمار و زعامت‌هایی را جهت تأمین معاش ایشان در دست داشت (Kılıç, ۲۰۰۱: ۲۵۷-۲۷۴). وینوق‌ها تا زمانی که زنده بودند از کشت چیفت‌لیق خود بهره‌مند می‌شدند و در زمان‌های جنگ از مالیات و تکالیف معاف می‌شدند. مقدار مالیاتی که این افراد از چیفت‌های خود در سال می‌دادند، شانزده آقچه بود. شش آقچه به نوبت‌چیان و ده آقچه به یاماق‌ها تعلق می‌گرفت. این افراد در صورتی که به مقام‌های ارشدی مانند امین اسطبل می‌رسیدند، تیماری به ارزش سالانه، ده

هزار آقچه می گرفتند. چنین زمینی قابل انتقال به پسر و دیگران نبود و این افراد از اعزام به جنگ نیز معاف بودند (Çavuş, ۱۹۹۷: ۶۸).

نمایندگان باب عالی در کنترل تقسیمات اداری-مالی و عواید آن

در ایالت‌های مختلف مقام‌هایی به منظور ثبت عواید و آمار مناطق مختلف، همچنین اداره گروه‌های نظامی در سنجاق‌ها انتصاب می‌گردیدند. این مقامات یورک‌بیگ (سردسته پیاده‌نظام)، کدخدای دفتر، دفتردار تیمار و زعامت بود. در ایالت‌ها و سنجاق‌های مناطق مختلف تعداد این نمایندگان متفاوت بود. در ایالت روم‌ایلی مقام‌های فرستاده‌شده از پایتخت یعنی یورک‌بیگ، کدخدای دفتر، دفتردار تیمار و زعامت حضور داشتند و عواید آن را ثبت می‌کردند (افندی، ۱۲۸۰: ۱۳؛ ۲۶؛ ۱۹۹۷: Çavuş). در آناتولی علاوه بر مقام‌های مذکور چهار مسلم بیگی و یازده یایبیگی وجود داشتند (افندی، ۱۲۸۰: ۱۴؛ ۲۶؛ ۱۹۹۷: Çavuş). در ایالت‌های قارامان، طمشوار، قبرس، بدون، طرابلس شام، حلب، بغداد، جزایر و ارض‌روم، سه منصب کدخدای دفتر، دفتردار تیمار و زعامت عواید حضور داشتند (افندی، ۱۲۸۰: ۱۴-۱۵؛ ۴۲؛ ۲۹-۳۰؛ ۱۹۹۷: Çavuş). در ایالت بوسنه دو مقام دفتردار خزانه و کدخدای دفتر ثبت اراضی را بر عهده داشتند (Çavuş, ۱۹۹۷: ۲۵). قپودان پاشا، وان و شهرزول، ایالت‌هایی بودند که کدخدای دفتر و دفتردار تیمار به عنوان نمایندگان سلطان در آن قرار داشتند (افندی، ۱۲۸۰: ۱۶).

نتیجه

از مباحث مطرح شده این نتیجه حاصل شد که هرکدام از تقسیمات اداری-مالی صورت گرفته در قلمرو عثمانی کارکرد ویژه‌ای داشته‌اند. چنان که سلاطین با استفاده از نظام طشری، سرزمین‌های تازه فتح شده را به بخشی از واحدهای اداری نظیر ایالت، سنجاق و قضا می‌افزودند و بدین ترتیب تمرکززدایی و اعمال حاکمیت انجام می‌گرفت. این شیوه از قرن ۹ ق. ۱۵ م. با افزایش سنجاق‌های عثمانی رواج یافت. در این شیوه، ایالت - که در رأس آن بیگلربیگی قرار داشت - سعی در کنترل تمام امور داشت. در ذیل آن سنجاق قرار داشت که سنجاق‌بیگی به همراه قاضی و سوباشی، آن را اداره می‌کردند. در گام بعدی شخص قضات اداره مناطق را بر عهده داشتند که متشکل از چند روستا بود. در روستاها کدخدا در رأس امور بود، نائب قاضی مسئولیت برقراری عدالت و جوانمرد مسئولیت امنیت آن منطقه را به عهده داشتند. علاوه بر این تقسیمات منظم، باید به ثبت املاک و نفوس و صدور قوانین جدید برای هرکدام از سنجاق‌ها اشاره کرد که مانع زیاده‌خواهی حکام و زمین‌داران می‌شدند و حقوق هر شخص را مشخص می‌ساخت. به منظور جمع‌آوری مالیات، تقسیم اداری-مالی دیگری در قلمرو عثمانی با عنوان سالیانی (سالانه) و سالیانسیز (غیر سالانه) از قرن ۱۰ ق. ۱۶ م. به کار گرفته شد که پاسخ‌گوی تنوع مالیاتی سنجاق‌های مختلف بود؛ زیرا بخش زیادی از بالکان و آناتولی از طریق تیمار اداره می‌شد و جمع‌آوری مالیات سالیانه کاربرد نداشت. از طرف دیگر بخشی از سنجاق‌ها به‌ویژه در شام، دیار بکر و کریمه، حکام محلی از قدرت بالایی برخوردار بودند و صرفاً تابعیت اسمی از آل عثمان، عدم شورش علیه آن و همکاری نظامی با آن را پذیرفته بودند که در این شرایط نیز عملاً پرداخت مالیاتی به صورت سالانه یا غیر سالیانه صورت نمی‌گرفت.

در قرن ۱۱، ۱۰ ق. ۱۷، ۱۶ م. گسترش تقسیم اداری-مالی، به امانت، التزام و مالکانه (که نوعی شیوه بهره‌برداری از زمین ذیل مقاطعه بود) افزایش یافت. این تقسیم که به منظور جمع‌آوری آسان مالیات ایجاد شده بود، در واقع فروش مالیات به اشخاص بود. التزام به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد دولت از بین مالیات‌های کشاورزی، بهره‌وری کشاورزی را در سراسر سال حفظ می‌کرد. در قرن ۱۱ ق. ۱۷ م. مالکانه، بالاترین درصد را به خود اختصاص داده بود و بالغ بر شصت و شش درصد از درآمد خزانه را تشکیل می‌داد. مقاطعه مالکانه در واقع با انحطاط دیرلیق گسترش یافت. تشکیلات دیرلیق، تقسیمات اداری-مالی تیمار، زعامت و خاص را به وجود آورد. این تقسیم نیروی نظامی مورد نیاز حکومت مرکزی را با کم‌ترین هزینه و در کوتاه‌ترین زمان

تأمین می‌کرد. از میانه‌های قرن ۱۱ ق. ۱۷/م. به همراه تقسیمات دیرلیق، تقسیم‌های فرعی دیگری همچون آرپالیق، باشماقلیق و مفروض‌القلم و غیره بر مبنای میزان استقلال و اقتدار حکام محلی صورت گرفت تا فرمانداران محلی و اشراف، به‌ویژه در مناطق مرزی، تابع باب‌عالی بمانند. به‌طور کلی از طریق همین تقسیمات، عایدی مملکت بین کارگران و نظامیان تقسیم و نیروی نظامی لازم به‌منظور نیل به اهداف سلطان در اختیارش قرار می‌گرفت. همچنین از این طریق، سلطان اعمال حاکمیت می‌کرد، سرزمین‌های جدید فتح‌شده را حفظ می‌کرد و مالیات به‌آسانی جمع‌آوری می‌شد. سلاطین عثمانی از طریق گماردن دفتردار تیمار، دفتردار زعامت و کدخدای دفتر، امور سنجاق‌ها را موردنظارت قرار می‌دادند. با تدوین این قوانین از زایل‌شدن حقوق رعایا جلوگیری می‌شد که این امر خود نظم و امنیت را در پی داشت.

پیوست‌ها

پیوست ۱

قاپودان پاشا ایالتی شکل یافته از یازده سنجاق که کلیسولی (مرکز)، اغریبوز، قارلی‌ایلی، اینه‌بختی، ردوس، مدلو، قوجه‌ایلی، بیغا، صفله، سنجاق‌های خاصه آن و ساقز، نقشه و مهدیر، سالیانه‌های آن بودند (افندی، ۱۰: ۱۲۸۰، ۱۱؛ ۷-۶: ۱۹۹۷، Çavuş). قبرس ایالتی دارای هشت سنجاق، شامل چهار مورد خاصه (ایچ ایل، طرسوس، علائیه و سیس) و چهار مورد سالیانه (کرینه، باف، ماغوسه، لفقوشه) بود. هفت سنجاق سالیانسیز قدس شریف، غزه، صفد، نابلوس، عجلون، لجون و شام (مرکز) و چهار سنجاق سالیانلی، تدمور، صیداء، بیروت و کرک‌شویک، سنجاق‌های ایالت شام را شکل می‌دادند. ایالت حلب دارای هفت سنجاق بود که دو سنجاق آن (مطبخ، ترکمان) به‌طرز سالیانلی و بر اساس التزام و پنج سنجاق آن (ادنه، اکراد کلیس، بیرجک، معز عزیز، بالیس) به شکل سالیانسیز اداره می‌شدند (دفتر ایالت شام به همراه قانون‌نامه، شماره ۷۷۶، نسخه نخست وزیری). چاووش تعداد سنجاق‌های این ایالت را شش مورد ذکر کرده و حلب را نیز به عنوان یک سنجاق آورده؛ درحالی‌که اشاره‌ای به مطبخ، ترکمان و بیرجک ندارد (Çavuş, ۳۵, ۳۶: ۱۹۹۷).

پیوست ۲

از جمله اینکه صاحب زعامت و تیمار باید در محل تیمار و زعامت خود ساکن می‌شدند تا در صورت به وجود آمدن طغیان به دفع آن بپردازند (افندی، ۱۲۸۰: ۹۰) و در صورت لزوم، به همراه سنجاق‌بیگ خود به خدمت بیگلربیگی برسند. در موارد خاص به ارباب تیمار و زعامت اجازه سکونت در محلی غیر از تیمارشان نیز داده می‌شد. رسیدگی و بازرسی از وضعیت تیمارها توسط وزیراعظم در ایالت وان نیز گزارش شده است (Naima, 1967: V. ۳, ۱۴۰۰). یک نفر سپاهی در دو حالت از سنجاق معزول می‌گشت؛ حالت اول در شرایطی بود که سنجاقی را تصاحب کرده و در یک سنجاق دیگر ساکن می‌شد. زمان این عزل، دوساله بود و بعد از سپری شدن آن در صورت وجود دیرلیق به وی دوباره تیماری داده می‌شد (افندی، ۱۲۸۰: ۹۱؛ اینالچق، ۱۳۹۴: ۱۹۸؛ ۱۷۰-۱۶۸: Inalcik, 2004). حالت دوم زمانی بود که یک سپاهی به مدت هفت سال از خدمت نظامی سرباز می‌زد که در این صورت نام او از دفاتر افتاده، یک رعیت به حساب می‌آمد و باید مالیات می‌پرداخت. بعد از هفت سال خدمت، دوباره می‌توانست با درخواست از فرمانده خود، به بازپس‌گیری تیمار خود اقدام کند (اینالچق، ۱۳۹۴: ۱۹۸). نمونه‌های فراوانی در تاریخ نعیمه، به محروم‌شدن سپاهیان از تیمار اشاره دارد (Naima, 1967: V. ۲, ۵۶۸).

منابع

۱. اینالچق، خلیل، *امپراتوری عثمانی (عصر متقدم)*، مترجم کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت، ۱۳۹۴.
۲. عین علی افندی، رساله قوانین آل عثمان در خلاصه مضامین دفتر دیوان، استانبول: تصویر افکار، ۱۲۸۰.
۳. قوچی بیگ، *رساله قوچی بیگ*، استانبول: چاپ مطبعه موسیو واطس، ۱۲۷۷ ق.
۴. محمد عارف، *قانون نامه آل عثمان*، استانبول: «احمد احسان و شرکاسی؛ مطبعه جلیق عثمانلی شرکتی»، ۱۳۳۹.
۵. وفیق عبدالرحمن، *تکالیف قواعدی*، استانبول، قناعت، ۱۳۲۸ ق.
6. *Aşıkpaşazade, Osmanlıların Tarihi. Yay. Haz. Kemal Yavuz, Ma Yekta Saraç, K Kitaplığı, İstanbul, 2003.*
7. *Baltacı, C."Arpalık", Vol. 3 (İstanbul:T. D. V. İslâm Ansiklopedisi, 2004)*
8. *Barkan, O. L. Türkiye'de Toprak Meselesi: Toplu Eserler, İstanbul: Gözlem Yayınları,, . 1980.*
9. *Barkan, Ö. L, XV Ve XVI jnci Asırlarda Osmanlı İmparatorluğunda Ziraî Ekonominin Hukukî Ve Malî Esasları, İstanbul: Bühraneddin Matbaasi, 1943.*
10. *Baykara, Tuncer, Osmanlı Taşra Teşkilatında XVIII. Yüzyılda Görev Ve Görevliler (Anadolu), İstanbul: Kişisel Yayınlar, 1990.*
11. Baki Çakır, B., *Osmanlı Mukataa System*, İstanbul: Kitabevi, 2003.
12. *Ali Çavuş, A. Sofyalı Ali Çavuş Kanunnamesi: Osmanlı İmparatorluğu'nda Toprak Tasarruf Sistemi'nin Hukuki Ve Mali*

Müeyyede Ve Mükellefiyetleri, Midhat Sertoğlu, Istanbul: Marmara Unversitesi, 1997.

13. Ermiş, F. *A History Of Ottoman Economic Thought: Developments Before The Nineteenth Century*. London: Routledge, 2013.
14. Genç, M, *Osmanli Maliyesinde Mukataa Kavrami*: Istanbul: Osmanli Maliyesi, 2006.
15. Mehmet Genç, M. "*Mukataa*", Vol31, Istanbul: *Türkiye Diyanet Vakfi İslam Ansiklopedisi*, 1992.
16. Gözler, Kemal, *Anayasa Hukukunun Genel Teorisi*, Bursa, Ekin, 2011.
17. Gündüz, T. *Osmanlı Ekonomisi içinde Konargöçerler*. S. Yalçın, 2003.
18. Halil İnalçık, H. "*Timar*", Vol.41 (Istanbul: T. D.V. İslâm Ansiklopedisi, 2004Ei², Timar.
19. İnalçık, H. "*Eyalet*". Türkiye Diyanet Vakfi İslam Ansiklopedisi, Vol.11, 1992.
20. Mehmet İşirli, M. "Beylerbeyi". İstanbul, T D V İslam Ansiklopedisi, 1992.
21. Karazeybek, M. Osmanlı Taşra Teşkilâtında Karahisâr-I Sâhib Sancağı'nın İdâri Yapısı, 2000.
22. Kılıç, O. "Ocaklık Sancakların Osmanlı Hukukunda Ve İdarî Tatbikattaki Yeri", (Elazığ: Fırat Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, Xi/1, 2001.
23. Lütfi Paşa, *Âsafnâme*, İstanbul: İstanbul Üniversitesi, 1991.
24. Mantran, R. "Arpalık", Ei2, Vol.1.
25. Naima, M. *Naima Tarihi*, İstanbul: Z. Danışman Yayınevi, 1967.

26. Özel, Oktay, *The Collapse Of Rural Order In Ottoman Anatolia*, Amasya: Brill, 2016.
27. Tabakoğlu, A.Ahmet, Gerileme Dönemine Girerken Osmanlı Maliyesi, İstanbul: Dergâh Yayınları, 1985.
28. Turan Ş. “*Barbaros Hayreddin Paşa*”, İstanbul: T D V İslam Ansiklopedisi, 1992.
29. Yılmazçelik, İbrahim, «XIX. Yüzyılda Osmanlı Taşra Teşkilatının Önemli Merkezlerinden Biri Olan Diyarbakır’da Bazı Görevlilerle İlgili Tespitler Evaluations on Some Officials in Diyarbakir, One of the Important Centers of the Ottoman Provincial Organization in the XIXth Century, İbrahim, » Xix. Yüzyılda Osmanlı Taşra Teşkilatının Önemli Merkezlerinden Biri Olan Diyarbakır’da Bazı Görevlilerle İlgili Tespitler Evaluations On Some Officials In Diyarbakir, One Of The Important Centers Of The Ottoman Provincial Organization In The Sixth Century.2012.